

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و برزنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

حمید محوی
۲۹ اکتوبر ۲۰۱۴

آلترناتیو ۱

فاجعه در فاجعه

حکم اعدام ریحانه جباری روز ۳ آبان [عقرب] ۱۳۹۳
یا
آغاز فروپاشی اسلام در ایران



روزی که انقلاب بهمن ۱۳۵۷ به وقوع پیوست، برای من به قدرت رسیدن دستگاه دین اسلام پیغام دیگری را در گلدسته های ایران نوید داد. از دیدگاه من حکومت اسلام در ایران آغازی بود برای برای فروپاشی حتمی اسلام در ایران. ولی گذشت زمان به ویژه با تشکل اپوزیسیون های ایرانی در خارج از کشور نشان داد که اضمحلال جامعه ایران و فقدان ذخیره فرهنگی فراسوی قرنهای عقب ماندگی و استعمار و تشکل طبقه نوظهور بورژوازی کمپرادور که در واقع ابتداء مباحثان استعمار روس و انگلیس و سپس مباحثان امریکا بودند، و از همه مهمتر قرن ها تسلط تفکر اسلامی، امکان هر گونه تشکل پیشگام را از بین برده است.

بالین وجود امپراتوری اسلامی زیر چشمان ما دائماً در معرض ریزش و فروپاشی دیده می شود، بی آن که ظاهراً آلترناتیو جدی برای آینده ایران وجود داشته باشد. ولی اشتباه در اینجاست که ما غالباً فکر می کنیم که نیروئی باید از

بیرون بیاید و تشکیل شود و به قول معروف با رژیم دینی سرمایه داری (وابسته و مونتاژ کن- مصرف کننده و تک محصولی - نفت خام - ماده ای کاملاً طبیعی- که تقریباً تمام در آمد آن دوباره به بانکهای امپریالیستی باز می گردد و یا در اشکال دیگری دود و نابود می شود) شاخ به شاخ بشود. ولی جامعه مسلمان ایران از درون تحت تأثیر تضاد های حاصله بین تفکر مذهبی از نوع شتر سوار عرب ۱۴۰۰ سال پیش و واقعیت زندگی در قرن بیست و یکم میلادی، آلترناتیو های خود را پرورش می دهد، و ما نیز جزء همین آلترناتیو ها هستیم.

با این مقدمه، می خواهم پرسش ساه ای را مطرح کنم و آن هم این است که چرا حکم اعدام ریحانه جباری را در بحبوحه بحران تروریسم کیمیائی علیه زنان به اجرا گذاشته اند؟

کاملاً روشن است که ریحانه جباری، یک دختر ۱۹ ساله هنرمند هیچ انگیزه ای برای کشتن یک مرد ۴۵ ساله با زن و فرزند نداشته است، و تمام شواهد عینی نشان می دهد که مقتول واقعاً قصد تجاوز به ریحانه را داشته (...) و دختر جوان ۱۹ ساله واکنش نشان داده است. در برخی از گزارشات البته از احتمال حضور شخص سومی نیز یاد شده است. من در اینجا در پی این نیستم که از بی گناهی ریحانه جباری دختر ۱۹ ساله ای حرف بزنم که شجاعانه از خود دفاع کرده و آقای دکتر را که می خواسته به او آمپول بزند، فرستاده آنجائی که عرب نی می اندازد. آفرین بر این دختر. و ننگ بر این وطن سفله پرور که نمی تواند بهترین فرزندان را پاسخی شایسته بگوید.

من می خواهم به این موضوع فکر کنم که چرا دستگاه دین اسلام و طرفداران محمد رسول الله برای دعا و نماز و کارهای روزمره و سنتی از جمله مانند کشتن این دختر شجاع ایرانی چنین وقتی را انتخاب کرده اند. می گویم شجاع، چون که برخی از دختران و زنان وقتی در چنین شرایطی قرار می گیرند، از ترس یا به شکل متناقضی به خاطر حفظ آبرو و یا در وضعیت انفعالی فرد بهت زده، اجازه می دهند که به آنها تجاوز بشود... به همین علت صفت شجاع برای این دختر واقعاً رایگان نیست. البته چنان که در گزارشات می خوانیم، ریحانه یک ضربه بیشتر به این فرد مسلمان که جزء مأموران اطلاعاتی قدیمی دستگاه حکومت دین اسلام در ایران بوده وارد نساخته... همانطور که گفتم، در اینجا پرسش من به چگونگی در گیری این دختر ۱۹ ساله ایرانی با آقای دکتر مأمور اطلاعاتی قدیمی دستگاه حکومت دین اسلام لیبرال و سرمایه دار در ایران ارتباطی ندارد. بگیریم که ریحانه ۱۹ ساله و دانشجوی دکوراسیون داخلی یک قاتل حرفه ای از جهنم در رفته بوده که ده ها اسلامگرای دیگر را پیش از این وقتی که پس از وقت نماز قصد تجاوز به او را داشته اند به جهنم فرستاده است.

چرا مقامات قضائی ایران چنین فرصتی را برای اعدام این دختر، این قاتل خطرناک انتخاب کرده اند؟ چرا این وضعیت بحرانی را برای کشتن یک بی گناه انتخاب کرده اند؟ یک قربانی بی گناه دیگر از جنس زن... چرا؟ کشتن ریحانه در چنین وضعیت بحرانی به چه کار می آید؟ ریحانه را پس از ۷ سال اسارت در زندان، دقیقاً در بحرانی ترین وضعیتی که می تواند وجود داشته در بحبوحه یک فاجعه ملی، در کوران حمله کیمیائی با اسید به ایران، با پرونده ای که قویاً بیشتر بی گناهی او را نشان می دهد، بیرون کشیده اند تا به جوبه دار بباززند. چرا دولتی که قویاً در بحران تروریسم قرار گرفته باید باز هم بیش از پیش خودش را در معرض اعتراضات عمومی قرار دهد؟ آیا باید نتیجه بگیریم که بقول رفسنجانی «در ما نفوذ شده است» و عواملی از درون در حال بی اعتبار کردن دین و حکومتی هستند که خود به خود بی اعتبار هست و ۱۴۰۰ سال است که به ضرب تهدید شمشیر سر پا ایستاده است و هیچ حرف تازه ای برای گفتن ندارد و نمی تواند داشته باشد.

من فکر می کنم که اعدام ریحانه جباری در پیوند تنگاتنگ با فاجعه ملی یعنی حمله کیمیائی - اسیدی به زنان ایرانی است. در صورتی که (مقدماتاً) از فرضیه دوم یعنی طرح ب توسط ایالات متحده (به مقاله پیشین مراجعه کنید) قطع نظر کنیم، در فرضیه اول، اعدام ریحانه به این مفهوم خواهد بود که ریحانه اساساً حق نداشته است با یک مرد غریبه

قرار ملاقات داشته باشد و به محل کار و یا منزل او برود، تا موجبات تحریک آقای دکتر اسلامگرا و مأمور اطلاعاتی دستگاه دین اسلام در ایران بشود.

از دیدگاه من یکی از جزئیاتی که حجاب زنانه را به حکم اعدام ریحانه پیوند می زند همین موضوعی است که در بالا مطرح کردم، چون که حجاب در اسلام تنها به چادر خلاصه نمی شود، و در مورد زنان قوانین بسیار سختی وجود دارد. و دین اسلام دائماً به قربانی نیاز دارد تا تداوم خود را تضمین کند. ریحانه از دیدگاه اطلاعاتی سرّی در دستگاه دینی باید احتمالاً چیزی باشد شبیه شهید. از نوع ناگفته ولی اجباری. شهید گمنام اسلام. این شهید گمنام که حتی به عنوان گناه کار به مجازات مرگ محکوم می شود، عملکرد خاصی دارد که همانا تضمین تداوم موازین دینی است.

نتیجه :

از دیدگاه من فرضیه اول در تلاقی با فرضیه دوم قرار می گیرد. چرا که اسلام به تمام ضروریات و نیازمندیهای استعمار و نظام سرمایه داری پاسخ می گوید.

به دستگاه اسلامی خوش آمدی دخترم.

اسلام همان سرزمینی است که تنها مردگان در آن سرود زندگی می خوانند

به دستگاه اسلامی خوش آمدی دخترم

می دانستیم که تو بی گناهی

ما تنها به مرگ تو نیازمند بودیم

به دستگاه اسلامی خوش آمدی دخترم

تو به دانه های انگور می اندیشیدی که با یکدیگر حرف می زنند

و به آنها می خندیدی

و ما هفت سال به روز مرگ تو می اندیشیدیم

به دستگاه اسلامی خوش آمدی دخترم

حمید محوی | پاریس | ۲۸ اکتوبر ۲۰۱۴